

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific	علمی
------------	------

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، پنجم اپریل ۲۰۰۹

انسان در زمان گذشته زندگانی میکند!!!

طعنه، طنز و یا طیره؟؟؟

وقتی مینویسم "انسان در زمان گذشته زندگانی میکند"، برخلاف رائج، مرادم نه طعنه است، نه طنز و نه طیره!!! بسا اوقات وقتی می بینیم که کسی مطابق "شرایط روز" نمی اندیشد و یا مطابق "زمان حال" عمل و حرکت نمیکند، از روی طعنه و تمسخر و ریشخند، برایش میگوئیم که:

"تو در زمان گذشته زندگی میکنی!!!"

در نظر ندارم که با آنچه معمول و سر زبانهاست، مستقیماً تصادم کنم و یا بر صحت و سقمش حکم بفرستم. آنچه را درین نوشته عرضه میدارم، دیدگاه شخص خودم است، شاید عاری از خطاء نباشد، اما آنچه میگویم، تا همین الان بدان یقین دارم. از همین اول باید روشن بسازم، که این بحث کدام موضوع فلسفی و حکمی را نمیشگافد، چون شخصاً نه از فلسفه بوئی برده ام و نه حتی شاید از اساسات این شیوه تفکر، بهره ای درست هم گرفته باشم.

تفاوت بین "زندگی" و "زندگانی":

درین زمینه متنی را که در توضیحات بخش سوم مقاله "افغان، افغانی، افغانستانی" (مؤرخ ۵ جنوری ۲۰۰۵) بنده آمده است، عیناً نقل میکنم:

« "زندگی" و "زندگانی" دو لغت متفاوتند، با وجودی که در فرهنگ ها – بشمول فرهنگهای مَدَوْن در ایران – مُعادل هم آمده اند. "زندگی" که نقطه مقابل "مرگ" شود، یک پروسه "بیالوژیک" است، یعنی آنچه به "زیستن" و زنده بودن ارتباط میگیرد. اما "زندگانی" مفهوم "اجتماعی" دارد و منسوب است به "زندگان"، و "زندگان" مراد از "انسانان" است. پس "زندگانی" با "اجتماع" و "مناسبات اجتماعی" انسانها پیوند میخورد. ما در زبان دری دو مقوله متفاوت از هم داریم که متأسفانه بعضاً باهم مغالطه میگردند، یکی "زندگی" و دیگری "زندگانی". تا جایی که بر من میرهن گشته زبانهای دیگر این فرق را لغتاً قایل نگردیده اند. چون در بسا زبانهای جهان – بشمول زبان عربی – برای هر دو مقوله متفاوت فوق، عین کلمه را بکار میبرند. البته باید گفت، که "زبان دری" – و هر زبان دیگر نیز به نحوی – باریکی هائی را در نظر می گیرد، که در زبانهای دیگر به عین شکل سراغ نمیگردد. با شرحی که گذشت، نمیتوان "زندگانی" را نقطه مقابل "مرگ" دانست. »

گذشته – حال – آینده (مستقبل):

شرح لغوی:

- "استقبال" از باب "استفعال" ، لغتاً معانی بسیار دارد، از جمله "به چیزی روی آوردن، پیش آمدن، در قبال چیزی یا کسی رفتن، پذیره گردیدن"؛ و در اصطلاح صرف و نحو در معنای "زمان آینده". کلمه "مستقبل" (به فتح باء) اسم مفعول از مصدر "استقبال" ، اصطلاح محض گرامریست و در معنای "آینده" و "زمان آینده" بکار می‌رود. کلمه "آینده" صفت فاعلی از مصدر "آمدن" است و به چیزی که "می آید"، اطلاق می‌گردد.

- "ماضی" ("اسم فاعل" عربی) اصلاً در معنای "گذرنده" و تداولاً در معنای "سپری شده، به پایان رسیده، رهسپار شده، تمام شده" است که در اصطلاح دستوری معادل کلمه دری "گذشته" بکار رود.

- "حال" (در اصل "حائل" - بوزن حائل و غافل و مایل - که بعداً به "لام مشدد" انتقال یافته و صورت "حال" را گرفته) اسم فاعل از مصدر "حلول" عربی و در معنای "حلول کننده ، فرود آینده و آینده" است، و در اصطلاح گرامری به "زمانی که در آن فعل صورت می‌گیرد" اطلاق گردد. در زبان دری امروز، معادل عام و تام و مروج دری این کلمه را نداریم و دری زبانان فقط همین کلمه عربی را عموماً استعمال می‌کنند. بدون شک که پیش از نفوذ زبان عربی، در زبان دری نیز کلمه دربرگیر عین مفهوم و مدلول وجود داشته، که از بین رفته و جای خود را یکسره به همین کلمه عربی خالی کرده است. وقتی از "حال" سخن می‌رود، چه باک دارد که قیدش "حالاً" را نیز شرح بدهیم :

"حالاً" که در اصل عربی آن "حالاً" و قید "تنویندار" است، در زبان دری برخلاف اکثریت مطلق این قید ها، بدون "تنوین" تلفظ و نوشته می‌شود، یعنی "الف کرسی تنوین" ، حیثیت "الف مستقل" را بخود گرفته است. در زبان گفتار دری "حالاً" را "حالی" (به یای مجهول) تلفظ می‌کنند، چنانکه گویند: "حالی بگو که می‌خوری یا نی؟" و مثال دیگر و برجسته اش "همیالی" است که مخفف مُحَرَّف (تحریف شده) "همین حالاً" می‌باشد.

بعد از این شرح مختصر لغوی برویم به اصل مطلب مد نظر :

این قلم ضمن مقاله "هدیه انگلیس به امیر محمد یعقوب خان" (۱) چنین نوشت :

« ... ضرب المثلی داریم که "گذشته را صلوات و آینده را احتیاط"، یعنی گذشته ها را باید فراموش کرد و در قبال آینده محتاط بود. من با جزء اول این مثل موافق نیستم. ما هرگز نمیتوانیم گذشته را فراموش کنیم، خصوصاً گذشته های شیرین و تلخ را. گذشته پایه و مایه حال و آینده است. ما اصلاً در جهان "گذشته" زندگانی میکنیم و هر چه داریم مربوط به زمان گذشته است. "زمان حال" لحظه بس کوتاهی بیش نیست و هر دم در کام "زمان گذشته" فرو می‌رود و جزء گذشته می‌شود. "آینده" هم چیز نیست که دم نقد وجود ندارد. هر لحظه ای که از "آینده" می آید، "حال" می‌شود و به انبار "گذشته" تحویل می‌گردد. پس آنچه در دنیا وجود دارد، متعلق به زمان گذشته می باشد. "حال" سرحد باریک میان "گذشته" و "آینده" است. زمان حال باریکه سرحدی بسیار کوچکیست که وجودش فقط وقتی جلوه گر می‌گردد، که بحساب ریاضی "لیمت" یا "حد" اش را به "صفر" تقرب بدهیم. همان لحظه بسیار بسیار و بیحد کوتاهی را که "حال" می‌پنداریم ، فی الواقع در همان "دم" ، به "گذشته" پیوسته است. »

میخواهم موضوع را اندک بکاویم و بدین منظور از این سؤال حرکت میکنم، که آیا "زمان حال" وجود دارد؟؟؟ از "دید متعارف" جواب مثبت است، یعنی که بلی، همین "زمان"ی را که در آن قرار داریم و زندگی و زندگانی میکنیم، "زمان حال" مینامیم. از نگاه فیزیکی زمان "حال" بسیار کوچک است، آنقدر کوچک که پیمایش دقیقش با اسباب عادی اصلاً ممکن نیست. چنانکه گفتیم "حال" زمان بسیار بسیار کوچک و خیلی زودگذریست، که هر دم و هر آن و هر لحظه به "گذشته" می‌پیوندد و جزء "زمان گذشته" می‌گردد. آنچه را بصورت متعارف "حال" مینامیم، در واقعیت امر "امتداد و مسیر زمان گذشته" است که پیوسته بطرف "آینده" کشیده می‌شود. متعارفاً مجموعه زمانی "آن ها" و "لحظه ها" و "شبه ها" را که می آیند و به انبار "گذشته" تحویل داده میشوند ، و هر کدام محض در همان مقطع خود وجود داشته اند، بنام "زمان حال" یاد میکنیم.

زمان فیزیکی "حال" بسیار کوچک و غیرقابل پیمایش است، ولی چون هر لحظه زمانی را که در آن زندگانی میکنیم، "حال" می‌پنداریم، فکر میکنیم که زمان "حال" طولانی و ممتد است، در حالی که چنین نیست. در واقع آنچه را به نام "حال" می‌پنداریم، مجموعه لایتنهائی از "لحظات زودگذریست، که هر کدام در ذات و وقت خود، "حال" بوده، اما دیگر بحیث "حال" وجود ندارند و جزء زمان "گذشته" شمرده می شوند. آنچه واقعاً وجود دارد، سیر متمادی، سیال و لاینقطع "زمان گذشته" است، که بطرف "زمان آینده" کشیده میشود و ما آن را متعارفاً "زمان حال" مینامیم.

با شرح مختصری که گذشت، میتوان گفت که :

ما در زمان حال "زندگی" ، ولی در زمان گذشته "زندگانی" میکنیم!!!

تذکره :

۱ - این مقاله حدوداً یازده سال پیش نوشته شده و اولاً به جریده "امید" گسیل گردید، که متأسفانه به نشرش نپرداختند. بعدها مقاله را به هفته نامه "فریاد عاشورا" چاپ مشهد، فرستادم، که در صفحه اول شماره ۱۷۱ - مطابق ۵ جون ۱۹۹۹ - آن آذین بست؛ و متأسفانه با اندک تصرف این مقاله با اضافات لازم، به "سلسله نشر مقالات سابق" بتاريخ اول نومبر ۲۰۰۸ در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نشر شد و همین حالا - و به اصطلاح زیبای گفتاری "همیالی" - در آرشیف موضوعات "تاریخی" قابل دریافت است.